

Pazuhesname-ye Alavi (Imam Ali's Studies),

Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)

Biannual Journal, Vol. 14, No. 1, Spring and Summer 2023, 51-70

<https://www.doi.org/10.30465/alavi.2024.47854.2625>

A Historical Explanation of Strategic Components of Intellectual Convergence in Imam Ali's Leadership

Talat DehPahlavan*

Abstract

After the death of the Prophet Mohammad (PBUH), the emergence of new ideas and multiplicity of intellectual-cultural trends have been a constant challenge in the Islamic world. To converge these intellectual-cultural trends, is one of the most fundamental religious principles of Islam. From the time of the Prophet Mohammad (PBUH), intellectual convergence was dealt with through a single goal and belief around the axis of Imamate. The reign of Imam Ali (PBUH), which lasted up to 40 AH, ushered in an era of sectarianism, intellectual currents, uprisings, and internal rebellions against the Islamic caliphate, which in turn were dividing the Islamic Ummah. Imam Ali's (PBUH) confrontation with politically divisive factions played an important role in creating and strengthening unity and convergence of thought among the Islamic Ummah. Using the descriptive-analytic and library research methods, this article tries to find the strategic components of intellectual convergence from Imam Ali's (PBUH) point of view. These strategic components were at work in situations such as confrontations with caliphs and divisive opinions, in order to achieve a pattern of methods aligned to Islamic intellectual convergence. Imam Ali's (PBUH) methods that will be analyzed here include: correcting the fundamentals of beliefs combined with respect, and solving internal disputes and enmities among Muslims. These methods also include easing the tensions between rivals, and participating in political and military affairs, having an exemplary character, as well as adherence to the Qur'an and Prophetic Sunnah, etc. The hypothesis of the article is that Imam Ali (PBUH) has tried to revive the convergence of a single

* Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Razi University,

T.dehpahlavan@razi.ac.ir

Date received: 19/03/2024, Date of acceptance: 01/06/2024



Islamic Ummah by understanding the political and social conditions and raising the level of people's awareness based on fundamental Islamic ideas. Imam Ali (PBUH) considered the roots of intellectual divergence to be in the lack of correct understanding of the religion and tradition of Prophet Muhammad (PBUH) and the desire for power. Imam's actions in the direction of the intellectual convergence of the Ummah have been in the form of proper measures and guidance of the caliphs and interacting with various intellectual ways, including removing ambiguities and doubts and avoiding any divergent actions against the unity of the ummah.

Keywords: Imam Ali (PBUH), unity of the Ummah, Imamate, internal conflicts, Nahj al-Balagha.

تبیین تاریخی مؤلفه‌های راهبردی همگرایی در سیره علوی

طلعت ده پهلوان*

چکیده

ظهور اندیشه‌ها نوین و تعدد نحله‌های فکری - فرهنگی در جهان اسلام پس از رحلت رسول‌الله (ص) تا به امروز، چالش مسئله همگرایی امت اسلام را رقم زده است. همگرایی از بنیادی‌ترین اصول اعتقادی اسلام، که از عهد رسول‌الله (ص) با هدف و عقیده‌ای واحد حول محور امامت در مسیری خاصی مشخص گردید. عصر امام علی (ع) (تا ۴۰ هجری) فصل آغاز فرقه‌گرایی، جریان‌سازی فکری، قیام‌ها، شورش‌های داخلی علیه خلافت اسلامی بود. فعالیت این جریان‌ها در شبهه‌افکنی، همگرایی امت اسلامی یکی از این تهدیدها و زمینه‌ساز افتراق امت اسلامی بود. نوع مواجهه امام علی (ع) با عوامل تفرقه‌افکنانه، تقویت و ایجاد وحدت و همگرایی امت نقش مهمی داشت. این مقاله با پرسش چستی مؤلفه‌های راهبردی همگرایی از منظر امام علی (ع)، به روش توصیفی تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و کتب تاریخی و حدیثی، درصدد است با شناخت این مؤلفه‌ها در سیره امام علی در موقعیت‌هایی نظیر مواجهه با خلفا و جریان‌های فکری، الگویی از روش‌های همسو به همگرایی اسلامی دست یابد. آموزه‌های در قالب مؤلفه‌های اصلاح مبانی اعتقادی توأم با احترام، حل اختلافات داخلی و وجود کینه‌ها و عداوت‌ها میان مسلمانان، نداشتن تنش و حضور در امورات سیاسی و نظامی، حسن خلق، تمسک به قرآن و سنت نبوی و غیره نمود یافت. فرضیه مقاله بر آن است که امام (ع) بر مبنای اندیشه‌های بنیادین اسلامی، با درک شرایط سیاسی اجتماعی و ارتقای سطح آگاهی مردم در احیاء همگرایی امت واحده؛ ریشه‌های واگرایی را در عدم درک درست از دین و سنت رسول‌الله (ص) و قدرت طلبی و تمایلات حاکمیتی می‌دانستند. اقدامات امام در راستای همگرایی امت در قالب تدابیر و راهنمایی صحیح خلفا و تعامل با نحله‌های فکری

* استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، T.dehpahlavan@razi.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲



گوناگون و زدودن ابهام و شبهات و اجتناب از هرگونه اقدام واگرایانه در برابر یکپارچگی امت بوده است.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، همگرایی امت، امامت، منازعات داخلی، نهج البلاغه.

۱. مقدمه

تقریب امت، یکی از اساسی‌ترین مفاهیم سیاسی و اجتماعی قرآن کریم است. در آغاز پیدایی اسلام این اصطلاح صرفاً به معنای جماعت پذیرنده‌ی رسالت رسول الله (ص) به کار می‌رفت. این مفهوم در طول تاریخ اسلام همواره تغییراتی به خود دیده است. نخستین هم‌گرایی در تاریخ اسلام در سایه امت اسلامی در پیمان‌های عقبه اول و دوم شکل گرفت که در شهر مکه با حضور بزرگان قبایل اوس و خزرج انجام شد، پس از هجرت رسول الله (ص) به مدینه، واژه‌ی امت مصداق وسیع‌تری پیدا کرد و بستن پیمان با قبایل گوناگون از جمله پیمان مؤاخات^۱ به توصیه در سال اول هجری در مدینه میان مهاجرین و انصار و عقد پیمان با هم‌پیمانان غیر مسلم مسلمانان از جمله یهودیان نیز اطلاق گردید. (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۷۳-۹۰)

اندکی بعد از پیمان‌شکنی یهودیان و گسترش اسلام در مدینه به مرور زمان، این واژه به معنای دیرین خویش، یعنی جامعه‌ی پیروان هر یک از ادیان تغییر مفهوم داد. این تحولات حاکی از این است که از نظر اسلام، تنها مرجع معتبر برای تقسیم اجتماعات بشری و تمیز آن‌ها از یکدیگر دین است و به شمار تمام ادیان پیش از ظهور اسلام در جهان امت وجود دارد. (بیگدلی، ۱۳۷۴: ۷۵-۷۷) در این نوشتار با نشان دادن راهکارهای عملی امام علی (ع)، در تحقق این اصل اسلامی، این نتیجه رهنمون می‌شود که وحدت و انسجام میان مسلمانان از جمله مضامین دینی و اجتماعی مهم نزد ایشان است. در سیره علوی در تبیین نظریه امت و امامت نظرانی ارائه شد که همه ائمه شیعه (ع)، همواره بر این نکته پای فشردند و اصرار ورزیده‌اند که باید امت اسلامی در وحدتی متزاید قرار داشته باشد؛ تا جریان‌های نفاق در برابر مسلمین صف بندی نمایند و اصل و اساس دین را از بین نبرند.

۲. اهمیت موضوع

وحدت امت اسلامی از اصول و ارزش‌های مورد تأکید پیامبر اعظم (ص) بوده است. رسول گرامی اسلام (ص)، وحدت امت اسلامی را از راهبردهای بنیادین اقتدار امت اسلامی در تمام

تبیین تاریخی مؤلفه‌های راهبردی همگرایی در سیره علوی (طلعت ده پهلوان) ۵۵

زمان‌ها و مکان‌ها دانسته است و برای تحقق بخشیدن آن، تلاش‌های فراوانی نموده‌اند. اندیشه امت واحده، نظریه‌ی جدید و امروزی نیست بلکه با قدری تتبع در آیات و روایات قرآن متوجه خواهیم شد که این مسئله از زمان رسول خدا (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت وجود داشته است. برای پاسخ به این سوال حدیثی از امام صادق (ع) مطرح می‌کنیم:

مسلمان برادر مسلمان است و حق مسلمان بر برادر مسلمانش آن است که سیر نشود در حالی که برادرش گرسنه است و سیراب نگردد در حالی که برادرش تشنه است و جامه بر تن نکند در حالی که برادرش برهنه است، پس چه سترگ است حق برادر مسلمان بر برادر مسلمانش (کلینی، ۱۳۱۰: ۱۷۴)

بنابراین، شناخت امت و مقام امامت الهی منصوب از جانب خداوند، اهمیت بسیاری دارد. به همین جهت، متکلمان و عالمان مسلمان، همواره به این موضوع، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل اعتقادی نگریسته و به طور مفصل به آن پرداخته‌اند. از این رو، بررسی دیدگاه امام علی (ع) درباره امت واحده که راز آن شناخت امام عصر است حائز اهمیت بسیار است.

۳. پیشینه بحث

طرح مباحث امت واحده و تقریب مذاهب سابقه اش به پیش از این دوره اخیر یعنی یکی دو قرن گذشته می‌رسد، این مسئله در قرون اولیه صدر اسلام نیز همواره مطرح بوده است. روایات اهل بیت (ع) نیز به تفصیل درباره ویژگی‌های امت و وحدت سخن رفته است. (کلینی، ۱۳۱۰: ۵۰) لذا این بازشناسی، قدم مهمی در راستای وحدت امت و تقریب مذاهب در سیره علوی خواهد بود. مفاهیم امت و وحدت در سیره امام علی (ع) در قالب کتب و مقالات متعدد به رشته تحریر درآمده است، این نوشتار در صدد معرفی آثاری که در این زمینه مکتوب است بنابراین به صورت عام در موضوع وحدت آثار فراوانی وجود دارد که مجال برای بررسی هرچند اجمالی آنان وجود ندارد، لیکن با توجه به اینکه محوریت این تحقیق سیره امام علی (ع) است، تفاوت و تمایز این تحقیق با سایر تحقیقات انجام گرفته روشن خواهد شد:

امام علی (ع) اسوه وحدت، نوشته شیخ محمدجواد شری؛ کتابی است که نویسنده در سه بخش و یک خاتمه به تبیین اسوه بودن امام علی (ع) در حوزه وحدت پرداخته است. وی با مبنایگذاری بخشهای کتاب خود براساس ادوار حیات امام علی (ع) یعنی دوران نبوت، خلفای سه گانه و خلافت ایشان، به تشریح مسئله پرداخته است.

وحدت در کلام و سیره امیرالمؤمنین (ع) نوشته محمد برفی؛ نویسنده در ابتدا پس از ذکر مقدمه به ضرورت وحدت به صورت عام و بدون محوریت بیانات امام علی(ع) می‌پردازد. در ادامه به توصیه‌های امام علی(ع) پیرامون وحدت امت اسلامی اشاره می‌نماید. سپس به بررسی مواضع حضرت در دوره خلافت خلفای سه‌گانه و پس از آن در دوره حاکمیت خود می‌پردازد. «وحدت از منظر امام علی(ع) ریشه‌ها و شیوه‌ها»، نوشته ناهید طیبی؛ نویسنده در ابتدا به لحاظ لغوی وحدت را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس به ضرورت وجود وحدت با استناد به آیات قرآنی و بیانات امام علی(ع) می‌پردازد. وحدت فردی، وحدت اجتماعی - سیاسی، ریشه‌ها و عوامل، مبانی اعتقادی رهبری امت واحده آثار وحدت، تفرقه و اختلاف و دیگر عوامل و ... از جمله محورهایی است که نویسنده مقاله با محوریت سخنان امام علی(ع) به تبیین و تشریح آن‌ها می‌پردازد. اگرچه این آثار منتشر شده در نوع و سطح خود توانسته‌اند موضوع وحدت از دیدگاه اسلامی را مورد بررسی قرار دهند و ذیل مباحث خود دیدگاه امام علی(ع) را نیز به صورت اجمال بررسی نمایند و یا اینکه به صورت اثر مستقل در حد خود توانسته‌اند. بخشی از دیدگاه جامع الاطراف امام علی(ع) را به صورت تفصیلی مورد بررسی قرار دهند، این اثر در صدد است با رویکرد تحلیلی و به صورت تخصصی دیدگاه امام علی(ع) درباره جایگاه و اهمیت وحدت را مورد بررسی قرار دهد. امری که در برخی از آثار منتشر شده، به آن پرداخته نشده و یا اگر پرداخته شده، به صورت اختصاصی و تفصیلی نبوده است. از دیگر آثار که پراکنده به این موضوع اشاراتی کرده است؛ «وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت» سید محمد باقر حکیم، وحدت، در کتاب «مبانی الگوی وحدت و تفرقه در قرآن کریم» زهره شاکر اردکانی به بخش الگو بودن امت واحده پرداخته است. در بعضی منابع، امت واحده اسلامی را با رویکرد غیر از قرآن مطرح شده است و اساساً با تکیه بر مباحث سیاسی، تاریخی و مانند آن امت واحده اسلامی را تحلیل نموده‌اند، که از جمله کتاب: «الگوهای وحدت اسلامی از دیدگاه مصلحان دینی معاصر» که در این کتاب گرچه به مسائل امت واحده پرداخته است اما فقط اتحاد را از نگاه مصلحان دینی چون سید جمال الدین اسدآبادی، عبده، کواکبی، اقبال لاهوری، سید قطب و امام خمینی (ره) بررسی کرده است و به منابع مهم امت واحده که قرآن و روایات است، توجه جدی نشده است. آثار دیگر به نام «اتحاد ملی و انسجام اسلامی رمز نجات و بقای مسلمین» است، نیز بیش از هر چیز به تحلیل امت واحده با رویکرد سیاسی پرداخته است و مسائلی چون امت واحده، اتحاد مسلمانان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان تبیین کرده است. از منابع دیگری که بصورت غیر مستقیم در ارتباط با این موضوع بوده‌اند، و به سهم خود مسأله‌ای

تبیین تاریخی مؤلفه‌های راهبردی همگرایی در سیره علوی (طلعت ده پهلوان) ۵۷

امت‌گرایی و مبحث وحدت را پرورش داده‌اند، آثاری چون تفسیر «الکبیر» فخر الرازی، «المنار» محمد رشیدرضا، «مجمع البیان» طبرسی، و «المیزان» علامه طباطبایی؛ و برخی دیگر از منابع که در این اواخر نگارش یافته‌اند، کتاب‌های: «اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری» نویسنده سید حمید جاوید موسوی؛ «وحدت از نگاه امام خمینی (ره)» «همبستگی امت اسلامی» عبد‌الکریم بی‌آزار شیرازی؛ «علی طریق الوحدة» سید تقی مدرس، «حول الوحدة والتقریب» محمد علی تسخیری، را از پیشینه‌های مهم این پژوهش به شمار آورد، این پژوهش تلاش می‌کند که امت واحده و تقریب مذاهب؛ موانع و راه‌کارهای آن را از دیدگاه امام علی(ع) در حد توان به صورت منسجم تبیین و تحلیل نماید.

۴. مفهوم‌شناسی

۱.۴ مفهوم لغوی امت

کلمه امت اصطلاح قرآنی و دینی بوده و مفهوم محوری در اندیشه و معارف اسلامی داشته است و به گروه خاصی از پیروان یک دین به سبب همسانی در نوع خاصی از عملکرد و رویکرد فکری امت گفته شده است، لوئی گارده اسلام‌شناس فرانسوی لفظ امت را مخصوص فرهنگ اسلام دانسته و معتقد است که امت از ریشه خاص عربی بوده و در زبان‌های اروپایی نمی‌توان مترادفی برای آن یافت (لویی گارده، ۱۳۵۲: ۲۸۶) با توجه به گفته‌های لغت‌شناسی ماده "ام" به معنای قصد و توجه ویژه بوده و همه لغت‌شناسان بر این مفهوم اتفاق نظر دارند.

از این رو، معنای اصلی این لفظ همان قصد و توجه پیدا کردن به سوی یک هدف مطلوب است. این واژه در اصطلاح مجموعه‌ای از افراد و گروه همفکر و همگام که بر یک محور و یک مقصد واحد در حرکت باشند بکار می‌رود از این رو به پیروان یک دین بر اثر همسانی و هدف مشترک و عملکرد یکسان امت گفته می‌شود.

۲.۴ مفهوم اصطلاحی امت

امت واژه‌ای انتزاعی با بار اسلامی و برد معنایی وسیع، در قالب مفهومی مجرد مشتق از ماده "ام" به معنای قصد ویژه و راه مستقیم است. (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ق: ۲۲) این اصطلاح، قرآنی جامع مفاهیمی چون قوم، قبیله، عشیره، شعب یا جامعه‌ای مذهبی است که با ظهور پیامبر اکرم(ص) به جمع بزرگی از انسان‌ها با دین، هدف و مقصد واحد اطلاق گردید(ابن‌خلدون،

۱۳۶۲ : ۴۵) در تعریفی دیگر آمده است که: «امت، هر جماعتی که امری مشترک آن‌ها را دور هم جمع کرده؛ این نقاط اشتراک می‌تواند دین، مکان، زمان و غیره باشد». (اصفهانی، ۱۴۲۹) خلیل بن احمد می‌نویسد: «ان کل شیء یضم الیه سائر مایلیه فان العرب تسمى ذلک الشیء اماء» (اصفهانی، ۱۴۲۹) هر آنچه به عنوان اساس مطرح باشد باقی اجزا فروعاتش به آن ضمیمه شود عرب به آن ام گفته‌اند چنانکه هر کلان شهری نسبت به خرده شهرهای اطراف و نواحی مرکز و محور است، به مکه که «ام القرى» گویند چون اصل و ریشه همه شهرها و کانون توجه بندگان خدا می‌باشد. (اصفهانی، ۱۴۲۹)

۳.۴ امامت

واژه‌ای عربی به معنای پیشوا، سرپرست و مقتدا است (اصفهانی، ۱۴۲۹) راغب اصفهانی درباره این واژه می‌نویسد: «امام کسی است که به او اقتدا می‌شود، چه شیء مورد اقتدا انسان باشد که به گفتار و کردارش اقتدا شود یا کتاب، یا شیء دیگری، چه این اقتدا حق باشد و چه باطل» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق) از رکن اداره و رهبری جامعه به سمت کمال و سعادت؛ این رهبری از سطوح مختلفی (رئیس اول، رئیس مماتل، رهبری سنت، رهبری افاضل و رهبری روسای سنت) تشکیل یافته که دو سطح اول آن انحصاری و ایده‌آل بوده اما سطوح بعدی امامت و رهبری جامعه در غالب رهبری فقهای جامع شرایط محقق می‌شود.

۴.۴ وحدت

وحدت (اسم مصدر) [عربی: وحدة، مقابل کثرة] وحدت در لغت به معنای یگانه شدن، یک‌تایی و یگانگی است. (دهخدا، ۱۳۰۰) وحدت در لغت به معنای یگانگی، یکپارچگی و یکی شدن است. (جوهری، ۱۴۰۰ : ۵۴۷) در اصطلاح به معنای همبستگی، همراهی در مسیر واحد برای رسیدن به مقصدی واحد می‌باشد، (جمشیدی، ۱۳۸۴ : ۵۳) فیروزآبادی در تعریف وحدت می‌نویسد: «وحدت مصدر و ریشه اصلی فعل واحد به معنای تنها بودن و تنها ماندن است» (فیروزآبادی، ۱۳۸۴) زبیدی می‌آورد: «واحد به معنای احد است، همزه احد بدل از واو واحد است». (زبیدی، ۱۳۸۵ : ۲۹۸)

۵. تبیین مفهوم امت و امامت پیش از دوران امام علی (ع)

مفهوم شناسی امامت در دهه‌های اولیه‌ی ظهور اسلام، بسیار ضروری به نظر می‌رسید و بر این اساس احاله دادن تصور و فهم امت از مسئله امامت به یک تصور و برداشت ایده آل یا نزدیک به آن، نیازمند ارائه دلایل و براهین قانع کننده‌ای است. امامت به عنوان یکی از مناصب الهی و حتی بالاتر از مقام نبوت، مورد توجه قرآن کریم نیز است. (بقره، ۱۲۴) حضرت ابراهیم (ع) پس از گذراندن آزمایش‌های بس سخت و طاقت فرسا، شایستگی ارتقا از نبوت به امامت را پیدا می‌کند؛ در واقع واژه‌های امام، ولی و اولی‌الامر از واژه‌های آشنا برای مردم عصر رسالت بوده است. اگر اهل سنت خلافت و جانشینی رسول‌الله (ص) را بر مبنای بیعت جامعه مسلمانان به انتخاب مردم می‌دانند، شیعیان امام را "معصوم" و "منصوص" می‌دانند. (ابی داوود، بی تا: ۳۴) به نظر شیعیان خداوند جانشین رسول الله (ص) را مشخص و رسول الله (ص) نام شخص جانشین را اعلام کرده است، همچنان که این جانشین نیز به نوبه خود جانشین خود را که خداوند برگزیده به مردم معرفی نموده است. این موضوع مباحث و مطالب کلامی فراوانی دارد و متکلمان نامدار و متقدم شیعه - از جمله ابن قبه رازی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و سپس خواجه نصیر و علامه حلی و برخی از برجستگان خاندان نوبختی - در این باره بحث‌های قابل توجهی مطرح کرده‌اند که سنت کلامی شیعه در این باره شکل داده است. (شیخ صدوق، ۱۴۰۵: ۳۹-۴۵) بنابراین شیعیان تلاش کردند تا با استناد به احادیث مختلف بسان احادیث غدیر، منزلت، ثقلین و غدیر امامت علی (ع) را اثبات نمایند.

از طرفی هم، این موضوع در عصر رسول خدا (ص) توسط خود حضرت، بارها، به صورت‌های گوناگون طرح گردیده است. چنین مسئله‌ای به قدری روشن است که نمی‌توان اختلافی جدی را در مورد اصل طرح این ایده بین صاحبان مذاهب مختلف پیدا کرد. (حسن‌زاده، ۱۴۱۷: ۴۹۰-۵۴۱) بر این اساس امام پیشوای امورات اخروی و دنیوی است پس باید از قاعده لطف برخوردار بوده و معصوم و مطهر باشد. (قزوینی، ۱۳۵۸: ۶۴۱) رسول الله (ص) برای تثبت مسئله امامت تلاش‌های زیادی انجام دادند از جمله ایشان در حدیث منزلت می‌فرماید: «یا علی انت بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدى». (بحرانی، ۱۴۱۷: ۱۰۹-۱۲۶) این حدیث گویای اصرار پیامبر بر جا انداختن مفهوم امامت - گرچه در قالب تشبیهی همه فهم - برای مخاطبان عصر نزول است؛ ولی به راستی مخاطبان چگونه به کنه این تشبیه پی می‌بردند؟ حدیث سفینه نیز از احادیث مشهور بین شیعه و سنی و از مؤیدات روایی دال بر مسئله امامت است. (موسسه، ۱۳۷۷: ۸۵) نیز از همین گونه تشبیهات بهره برده است؛ مثل «اهل

بیتی کمثل سفینة نوح من رکبها نجی و من ترک عنها غرق». (الهیثمی، ۱۴۰۰: ۲۸۲) پیامبر اهل بیت خود را بسان کشتی نوح که نامی آشنا برای مردم آن عصر است تشبیه می‌کند و ترغیب امت خود را در گرایش به اهل بیت به واسطه یک تشبیه بیان می‌کند؛ حتی در حدیث ثقلین که مربوط به اواخر دوران رسالت است، باز دقت پیامبر(ص) در نحوه‌ی رساندن پیام و مفهوم امامت با تشبیه آن به نقل و با اشاره مؤید ناکافی بودن فهم مردم برای درک حقیقت امامت است. همین رهیافت، در حدیث غدیر(ترمذی، بی تا: ۱۷۵) به وضوح قابل مشاهده است، پیامبر ابتدا برای آنکه قدری، مردم را با حقیقت مفهوم «مولی» آشنا کند، این سؤال را طرح می‌کند که «الست اولی بکم؟» و آن گاه که یک تصور اجمالی از مفهوم مولی را در ذهن مخاطبان خود جای انداخت، می‌فرماید: «من کنت مولاه فعلی مولاه». حال، اینکه واقعاً با این همه تأکیدات و تلاش‌های پیامبر، به چه میزان مردم، واقعیت امامت را درک کرده باشند، قابل بررسی است و البته روشن است که درک کاملی نبوده است. اینکه از مولی، مفهوم دوستی، محبت و... را می‌فهمیده‌اند، احتمالاتی است که هیچ استبعادی ندارد و هیچ یک از گزینه‌های مقامی مذکور در مورد حدیث، از جمله اصرار پیامبر بر بازگشت کاروانی‌ها - در عین طاقت فرسا بودن گرما - علیرغم امکان ابلاغ پیام در شرایط دیگر، نمی‌تواند اثبات کننده این مطلب باشد که موضوع امامت با همان اهمیت مورد نظر رسول‌الله(ص) با همان قرائن مذکور گویای آن اهمیت است به ذهن مخاطب القا شده باشد.

۶. تبیین مقام امامت رمز ایحاد امت واحده در نگرش فکری امام علی(ع)

امام علی(ع) در عین آنکه خلافت امت اسلامی پس از رسول‌الله(ص) را حق خود می‌دانست اما در عصر خلافت خلفاء از نصایح و ارائه صادقانه مشورت به خلفاء و اعطای اجازه به یاران و اصحابش برای تصدی مناصب مختلف حکومتی و خیرخواهی جامعه اسلامی خودداری نمی‌کرد. به گواهی تاریخ این سیره در فرزندان ایشان نیز جریان داشت تا جایی که دولت امویان از کمک‌های امام باقر(ع) (منتظرالقائم، ۱۳۹۱) در ایجاد سکه رایج اسلامی بهره می‌برد. (بیهقی، ۱۹۶۰: ۲۲۶-۲۳۲)

خطبه‌ها و سخنان قصار امام علی(ع) در این زمینه بسیار وحدت آفرین است. امام علی(ع) می‌بایست، به مروز زمان، تفصیل اندیشه‌ای را که پیامبر(ص) تا حدودی به اجمال آن را گذرانده بود، برای مردم تبیین کند. این اجمال گویی چه به دلیل شرایط سیاسی بوده باشد و چه به دلیل فهم مخاطب و چه به دلیل هم‌ی موارد محتمل، امری است که به روشنی قابل ملاحظه

است. به هر حال، امام علی (ع) وراثت انبیای الهی و امامت آنان وارث رسول الله (ص) در غدیر خم گردید؛ البته به علل گویا و روشن تاریخی، این امکان فراهم نیامد و با انزوای امام علی (ع) از مسند خلافت، عملاً تا حدود زیادی، امکان این روشنگری برای حضرت مهیا نگردید و جایگاه امام شیعه همچنان در اذهان مخفی ماند. این فرآیند گونه‌ای مستتر است که حتی دوران پایانی امامت امام علی (ع) را که مصادف با دوران پنج ساله خلافتش، به عنوان یک امام در بین پیروان خویش شناخته نشد. بنابراین این عدم شناخت مردم در حق امام در سخنان حضرت در نهج البلاغه مشهود است؛ و البته این دوران چهار و اندی ساله نیز باز هم به دلایل سیاسی روشن تاریخی، نتوانست آن گونه که باید امام را در تبیین امامت، توفیق دهد. این مجموعه شرایط ناخود آگاه چنین نتیجه‌ای را به دنبال داشت که امام در نوع مواجهه‌ها و موضع‌گیری‌های خود با عامه مردم، به سطح برداشت آن‌ها از مسئله امامت توجه ویژه کند. در واقع باید درد امام شناسی امت، را مهمترین درد دوران امام علی (ع) بر شمرد. مردم تحت تأثیر سیاست‌های وقت به این ورطه گرفتار آمده بودند، جریان سیاسی مشخصی که در اولی‌ترین نیت شوم خود، آهنگ جدایی دین از سیاست را ساز می‌کرد؛ ولی واقعاً مردم آن زمان تا چه حد به مفهوم جدایی دین از سیاست و تحقق آن در عصر خود رسیده بودند؟ از روشن‌ترین نمونه‌های گفتاری حضرت که کاملاً بازگوکننده مباحث مطرح شده است، خطبه معروف به شقشقیه است: «اما والله تقمصها فلان و انه لیعلم ان محلی منها محل القطب بن الرطی ینحدر عن السیل و لا یرقی الی الطیر». تکیه حضرت در اثبات حقانیت خود بر شایستگی و لیاقت است. وی در مورد شرح جریان تفرقه‌ی پس از پیامبر (ص) می‌فرماید: «وصلوا غیر الرحم و هجروا السبب الذی امروا بمودته». حضرت در این جمله، مسئله حقانیت به خلافت، مسئله صلح رحم و مودت را مطرح می‌کند. (دشتی، ۱۳۷۹: ۲۰۹)، و نیز داشتن بصیرت را مایه هدایت قلمداد می‌نماید که اگر کسی از آن بهره‌مند شود به حقیقت می‌رسد. (حسینی، صحرائی اردکانی، میرجلیلی، ۱۳۹۹: ۱۹)

امام در جای دیگر به نسب خود اشاره می‌کند: «اما الاستبداد علینا بهذا المقام و نحن الاعلون نسباً و الاشدون برسول الله نوطاً». باز در مورد دیگری، حضرت، قرابت خود به رسول الله (ص) را شاهد می‌آورد: «انا اخص و اقرب... فانهم (قریش) قطعوا رحمی و صغروا عظیم منزلتی» امام علی (ع) با نوعی برداشت حداقلی از مسئله امامت در ذهن مخاطبان خویش از طریق مفروض گرفتن همان حداقل‌ها، با دشمن به احتجاج پردازد. (همان: ۳۰۰)

۷. تلاش در برقراری امت واحده در سخنان امام علی (ع)

طرح مسئله امت واحده در قرآن (نسا، ۱۶۴) و دین مبین اسلام مربوط به نخستین روزهای هجرت رسول خدا (ص) و پایه‌گذاری حکومت اسلامی در مدینه است، چنانکه نخستین فرآیند سیاسی پس از تأسیس حکومت در اسلام و امت اتحاد توده‌های متشکل از اهل ادیان مختلف و گرایش‌های سیاسی متنوع بود، که در صفحه سیاست داخلی حکومت اسلامی مدینه در زمان حیات رسول خدا (ص) تجلی یافت. رسول‌الله (ص) برنامه امت واحده را با عنوان مشهور مدینه تهیه و تدوین فرمودند تا براساس آن امنیت مال، جان و ناموس مردم تحت حاکمیت اسلام؛ اعم از مسلمان و غیرمسلمان تأمین گردد. (آیتی، ۱۴۰۲: ۲۳۴) در تبیین محور امت، آیات دیگری نیز وجود دارد که اعتقاد به رسول خدا (ص)، اعتقاد به اولی‌الامر و قبول حکم را اضافه می‌کند. به این ترتیب وحدت واقعی با توجه به این آیات تفسیر می‌شود: "و اعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا!" همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید. (آل عمران، ۲۰۱) امامت در تفکر اسلامی همین شاکله را دارد، امام علی (ع) نیز گرچه مسیر خلافت را ناحق می‌دیدند و آنان را در مقابل فرمان خداوند و رسول می‌یافتند، اما به خاطر مصلحتی مهم‌تر، ابراز مخالفت نمی‌نمودند.

آنچه از مجموع مفاهیم قرآنی، سیره رسول‌الله (ص) و امامان معصوم (ع) فهمیده می‌شود، این است که حفظ نظام اسلامی و مصالح عمومی بر منافع شخصی و گروهی مقدم بوده است و اینان از هر اقدامی که تفرقه و شکاف میان جماعت اسلامی را به دنبال داشته باشد، احتراز می‌کرده‌اند. پس امیرالمؤمنین از همان آغاز خلافت با جدیت تلاش کرد تا وحدت را میان مسلمانان بازگرداند و از دو دستگی جلوگیری نماید. (عبدالمقصود، ۱۳۵۰: ۱۲۹)

امام علی (ع) جدای از خطبه‌ی کوتاه و پر معنای شقشقیه، در موارد متعددی به سکوت معنادار خویش اشاره می‌کند. این سکوت که همراه با خاری در چشم و استخوان در گلو توصیف شده است، برای حفظ وحدت امت مسلمانان و بقای اساس دین بوده است. امام در یکی از خطبه‌های اوایل دوره حکومت خود می‌فرماید: قسم به خداوند که اگر ترس از اختلاف و جدایی مسلمانان نبود و اگر ترس از آن نبود که کفر بازگردد و "دین" فانی شود، هرآینه در غیر از موضعی که نسبت به آن‌ها نفع داشتیم، قرار می‌گرفتیم (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۶۷: ۳۰۷) امام علی (ع)، در ماجرای حرکت خویش، پس از رحلت رسول‌الله (ص) که بزرگ‌ترین انحراف را در امت اسلامی مشاهده فرمود، جهت حفظ اتحاد مسلمین، اقدامی را که شکننده‌ی این امت واحده باشد، انجام نداد و تنها دغدغه‌اش، شکستن تفرقه و نهادینه نمودن وحدت در

تبیین تاریخی مؤلفه‌های راهبردی همگرایی در سیره علوی (طلعت ده پهلوان) ۶۳

میان امت بود. ائمه بزرگوار اسلام تفرقه را آفتی بزرگ برای مسلمانان قلمداد نمودند و آن را مربوط به عصر جاهلیت پنداشتند. (خامنه‌ای، ۱۳۵۴) و مرتب به این موضوع تأکید داشتند که پیروان رسول الله (ص) همواره باید درکنار یکدیگر باشند و به خاطر اختلافات عقیدی میان شیعیان و اهل سنت نباید اصل اسلام را خدشه‌دار کنند و به هر شکل، در صف نماز حاضر شوند و انسجام خود را از میان نبرند. امام علی علیه السلام، که پس از آن همه دردها و رنج‌ها و پس از آن همه انحرافات که در تاریخ اسلام به وجود آمد و پس از مشاهده انحرافات که در اندیشه و باورهای مردم حاصل شد، با اصرار همان مردم و با هلهله مردم اعم از کهن سالاران لرزان و سایر افراد و نیز هم سویی مردم، امر رهبری و خلافت را بر عهده گرفت. (قهرمانی و بیدار، ۱۳۹۹: ۱۶)

البته اندیشه‌ی علوی هرگز به امر موجود رضایت نمی‌داد، بلکه می‌خواست دوباره جامعه‌ی اسلامی را در مسیری به تکاپو وا دارد که رسول الله (ص)، آن مسیر را گشوده بود. وی می‌فرماید: «کسی به اندازه او در اسلام بر انسجام و اتحاد مسلمانان تأکید ندارد و حریص‌تر نیست». (دشتی، ۱۳۷۹: ۶۱۸)

جامعه‌ی اسلامی دوران امام (ع) دچار تفرقه و مصیبتی شده بود، که بازگرداندنش به آن دوران شکوهمند، کاری بس مشکل و طاقت‌فرسا بود. لذا خروج از این اوضاع آشفته را فقط در گرو ایجاد وحدت در صفوف امت اسلامی ارزیابی می‌نماید، از حقوق ازدست رفته‌اش یاد می‌کند و حسرت و دریغی را یادآور می‌شود، که اگر کشتی حرکت امت اسلامی از مسیر خویش منحرف نمی‌گشت، دیگر از این گمراهی‌ها خبری نبود. امام در خطبه‌ی شقشقیه، دردهای دل خویش را بازگو می‌نماید، صبر خویش در دوران آن رخدادها را بهترین گزینه در حرکت خود بیان می‌دارد.

آگاه باشید که فرزند ابی‌قحافه، پیراهنی را که رسول الله (ص) بر قامت من دوخته بود، غاصبانه بر تن نمود و حال آن که می‌دانست جایگاه من در خلافت، همچون جایگاه سنگ آسیا در آن است. از وجود من سیل عظیم سرازیر می‌شود. پرواز هیچ اندیشه و فکری به من نمی‌رسد. پس جامه‌ای غیر آن بر تن نمودم و اندیشه نمودم که آیا با دست بریده اقدام به امری کنم، یا صبر نمایم. با چشمی نابینا صبری که در آن کودک به پیری می‌رسد، انسان مؤمن می‌رود که به ملاقات خدا نائل شود. پس از این اندیشه‌ها دیدم که صبر، عاقلانه‌ترین امر است. پس صبر نمودم، در حالی که در چشمم خاشاک رفته و در گلویم، استخوان ریزه قرار دارد، زیرا که میراثم را غارت شده دیدم. (صبحی، ۱۳۷۰: ۱۸۲) در کلامی دیگر به خوارج

نهروان می‌فرماید: «همگام جمعیت انبوه باشید، زیرا که دست خدا با جمعیت انبوه است، از تفرقه پرهیزید، زیرا که اندک انسان از آن شیطان است، چنان‌که اندک گوسفند از آن گرگ است. (همان: ۸۲) در خطبه‌ی قاصعه می‌فرماید: «پس دیدم که صبر بر این امر از چند دسته‌شدن کلمه‌ی مسلمین و ریخته‌شدن خونشان، برتر و با اهمیت‌تر است، در حالی‌که مردم، تازه به اسلام درآمده بودند». (همان، ۱۳۷۰: ۲۵)

در موردی دیگر فرموده است:

ای مردم، بشکنید امواج فتنه را با کشتی‌های نجات و از راه‌های اختلاف دوری گزیده و تاج‌های فخرفروشی را بر زمین بنهید، این آبی گل‌آلود است و لقمه‌ای است که در گلوی خورنده‌اش، گیر می‌کند و در حکم چیدن ثمره میوه در غیر موعد خودش می‌باشد و مانند زارعی است که در غیر زمین خودش، زراعت می‌کند. (همان، ۱۳۷۰: ۵۰۲)

از دیدگاه آن حضرت، وحدت امت مسلمین، اصلی اساسی و حیاتی است، که رعایتش موجب سامان‌یابی حرکت امت اسلامی و نادیده‌گرفتنش، سبب از هم‌گسیختگی امت اسلامی خواهد شد، که عزت و اقتدار و آنان را در معرض انهدام قرار خواهد داد، زیرا که اصل اتحاد، قوت و سطوت را برای مسلمین، به ارمغان می‌آورد، چنان‌که در قرآن مجید می‌فرماید: «و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم» به منازعه و اختلاف تن ندهید که به وسیله‌ی آن، آبرو و عزت شما نابود خواهد شد. از عبد الله بن جلاده نقل شده که گفت:

در ایام خلافت علی علیه السلام در حجاز بودم، آهنگ عراق کردم، به مدینه رفتم، روزهای اول خلافت علی علیه السلام بود، مردم برای نماز اجتماع کرده بودند، علی علیه السلام در حالی‌که شمشیر خود را حمایت کرده بود، بیرون آمد، خطابه‌ای ایراد نمود و حمد ثنای الهی را به جا آورد و فرمود: پس از رسول‌الله (ص) گمان نمی‌کردم که مردم این‌گونه در حق ما خیانت کنند، اما آنچه که انتظارش نمی‌رفت، واقع شد و ما را در ردیف مردم کوچه و بازار قرار دادند، اگر بیم تفرقه‌ی مسلمین نبود، دست به قبضه‌ی شمشیر می‌بردم.

«و ایهم الله لو لا تفریق کلمة المسلمین و ان يعود الکفر و یبور الدین، لکنا غیر ما کنا علیه» قسم به خدا اگر ترس از تفریق اجتماع مسلمین نبود به گونه‌ای دیگر عمل می‌کردیم. (همان: ۸۴۱)

بنابراین در بیان اهمیت این موضوع در اندیشه امام علی (ع) همین بس که ایشان در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه، اتحاد میان مسلمانان را موهبتی بی‌بدیل از جانب خداوند می‌داند و می‌فرماید:

تبیین تاریخی مؤلفه‌های راهبردی همگرایی در سیره علوی (طلعت ده پهلوان) ۶۵

آگاه باشید! که شما دست از رشته اطاعت کشیده و با زنده کردن ارزش‌های عصر جاهلیت، دژ محکم الهی را درهم شکستید؛ در حالی که خداوند بر این امت اسلامی، بر وحدت و برادری منت گزارده بود که در سایه آن زندگی کنند؛ نعمتی که هیچ کس نمی‌تواند بهای آن را تعیین نماید؛ زیرا از هر ارزشی برتر و از هر کرامتی والاتر است (همان، ۳۹۷)

بنابراین وحدت و اتحاد، اولاً؛ ضرورت عقلی است، ثانیاً آیات فراوان و احادیث اهل بیت (ع) نیز آن را یک اصل حیاتی می‌دانند؛ اصلی که در جوامع اسلامی نتایج پربار و غیرقابل انکاری دارد. امام علی (ع) در نهج البلاغه، از عوامل متعددی به عنوان دستاوردها و نتایج اتحاد و انسجام اسلامی نام می‌برد که عبارتند از:

۱.۷ پاسداری از دیانت اسلام

در سایه وحدت و همبستگی میان مسلمانان است که می‌توان اسلام را حراست نمود، در همین راستا در نامه ۶۲ نهج البلاغه آمده است:

من دست باز کشیدم تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می‌خواهند دین محمد (ص) را نابود سازند؛ پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم، یا شاهد نابودی آن باشم، که مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن حکومت بر شما است. پس در میان آن آشوب و غوغا بپاخاستم؛ تا آنکه باطل از میان رفت و دین استقرار گرفته، آرام شد (همان، ۶۰۰)

۲.۷ جلوگیری از اختلافات فرقه‌ای و مذهبی

درگیری‌های مذهبی و نبردهای سنگین قومی و قبیله‌ای میان مسلمانان، جامعه اسلامی را دچار آشوب‌های اجتماعی و سیاسی می‌نماید و همین امر علاوه بر عقب‌ماندگی و ضعف جوامع اسلامی، منجر به زوال و انحطاط دین اسلام می‌شود و به همین دلیل امت اسلامی را از پیشرفت باز می‌دارد. پس امام علی (ع) در خطبه ۱۹۲ پیرامون نقش حیاتی وحدت در از بین بردن تنش میان مسلمانان می‌فرماید:

آن‌گاه که وحدت اجتماعی داشتند، خواسته‌های آن‌ها یکی، قلب‌های آن‌ها یکسان، آیا در آن حال مالک سراسر زمین نشدند؟ پس به پایان کار آن‌ها بنگرید! در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند و مهربانی و دوستی از میان آن‌ها رفت و از هم جدا شدند، به

حزب‌ها و گروه‌ها پیوستند، خدا لباس کرامت خود را از تن آن‌ها بیرون آورد و نعمت‌های شیرین را از آنان گرفت (همان، ۳۹۴)

امام در خطبه ۱۷۶ می‌فرماید:

از چند دستگی در دین حذر کنید، که همبستگی و وحدت در راه حق، گرچه کراهت داشته باشید، از پراکندگی در راه باطل، گرچه مورد علاقه شما باشد، بهتر است؛ زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان، چیزی را به تفرقه عطا نفرموده است. (همان، ۲۳۸)

۳.۷ برپایی عدالت اسلامی

در سیره علوی عدالت اسلامی جایگاه والایی دارد و از نظر حضرت، میان وحدت و عدالت رابطه تنگاتنگی است و فقط با وحدت می‌توان به عدالت رسید. از این رو، قسط و دادگری میان مردم و نظام عادلانه تکلیفی واجب است که تا بر همین اساس فساد اقتصادی و اجتماعی برچیده شود. (رنگریز، ۱۳۹۸: ۳۴)، چنان که حضرت در خطبه ۲۱۶ می‌فرماید:

آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد و راههای دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار، و سنت رسول الله (ص) پایدار گردد. پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس گردد، اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند، یا زمامدار بر رعیت ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم و نیرنگ بازی در دین فراوان می‌گردد و راه گسترده سنت رسول الله (ص) متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماریهای دل فراوان شود (همان، ۴۴۲)

از سویی هم، امیرمؤمنان (ع) در نهج البلاغه راجع به اشخاصی که راه خوارج را در پیش گرفتند و باعث شکاف در جامعه اسلامی گشتند می‌فرماید:

امروز شیطان آن‌ها را به تفرقه دعوت کرد و فردا از آنان بیزاری می‌جوید و کنار خواهد کشید. همین ننگ آنان را کافی است که از هدایت گریختند و در گمراهی و کوری فرورفتند، راه حق را بستند و در حیرت و سرگردانی ماندند. (همان، ۳۴۴)

۸. نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که شرح داده شد می‌توان نتیجه گرفت که وحدت و انسجام بین امت اسلامی در طول تاریخ اسلام همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این موضوع بنیادی و مهم در قرآن کریم و سنت رسول الله (ص) و ائمه اطهار (ع) به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. از طرفی، حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه هم بسیار به مسئله امت واحده در جهت ممانعت از پیروزی دشمنان و انسجام مسلمین تأکید نموده و آن را پایه و رکن مهمی برای ایجاد عدالت اسلامی در نظر گرفته است. بنابراین با بررسی اجمالی و نگاهی گذرا به خطبه‌ها و نامه‌های ایشان در نهج‌البلاغه به این مهم می‌توان دست یافت که یکی از مضامین دینی و اجتماعی که حضرت به آن تأکید ویژه داشته است و آن را عامل پیروزی مسلمانان می‌دانسته، وحدت و انسجام میان مسلمانان بوده است. همچنین ایشان برای تحقق اصل وحدت میان مسلمانان، راهکارهای عملی از جمله: حفظ وحدت و همبستگی، شناخت امام و امامت، تمسک به قرآن و رسول الله (ص)، شناسایی گروه‌های تندرو و ... ارائه می‌دهد و در این خصوص بر دو رکن رکین و غیرقابل انکار قرآن و نبوت تأکید می‌کند. در نهایت، می‌توان عمل همه‌ی امامان شیعه علیهم‌السلام را مورد ارزیابی قرار داد؛ این بزرگواران پس از شهادت امام علی (ع)، به طور عموم بر انسجام امت اسلامی تأکید داشتند و مرتباً مسلمانان را از ایجاد تفرقه و آشوب پرهیز دادند تا بدین ترتیب، یگانگی میان آنان از میان نرود.

به هر حال، اگر توصیه‌ها و آموزه‌های ائمه اطهار (ع) در حوزه وحدت مسلمانان سر لوحه ممالک اسلامی قرار گیرد به یقین اختلافات فروکش می‌کند و تمدن اسلامی بار دیگر شکوفا می‌شود و بیگانگان نیز دچار یأس و ناامیدی خواهند شد.

پی‌نوشت

۱. عقد اخوت برادری - دینی

کتاب‌نامه

قرآن مجید.

نهج‌البلاغه، (۱۳۷۹ش)، ترجمه محمد دشتی، انتشارات نسیم حیات، چاپ دوم.

۶۸ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، (۱۳۶۷)، *نهج البلاغه*، [شارح] ابن ابی الحدید، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- ابن ابی شیبه، (۱۴۰۹ق)، *المصنف*، بیروت، دارالفکر.
- ابن حنبل، احمد، (۱۳۷۷ق)، *المسند*، مصر، دارالمعارف.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۳۶۲ش)، *تاریخ ابن خلدون*، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن میثم بحرانی، (۱۴۱۷ق)، *النجاه فی القیامه فی تحقیق امر الامامه*، قم.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا)، *الفهرست*؛ تحقیق رضا تجدد؛ تهران: دانشگاه تهران.
- ابن هشام، عبدالملک، (۱۳۷۵ق)، *سیره النبویه*، مصر، مصطفی البابی الحلبی و اولاده.
- ابوالحسن علی بن الحسین بن بابویه، (۱۴۰۴ق)، *الامامه و التبصره من الحیره*، قم: مدرسه الامام المهدی علیه السلام.
- ابی داود، سلیمان بن الأشعث، (بی تا)، *سنن ابی داود*، دارالفکر.
- احمد واعظی، (۱۳۸۶)، *حکومت اسلامی (درسنامه اندیشه سیاسی اسلام)*، قم، انتشارات حوزه علمیه قم.
- اصفهان‌ی راغب، حسین بن محمد، (۱۴۲۹ق)، *مفردات الفاظ قرآن*، چهارم، قم، طلیعه نور.
- آوسی، محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، قاهره، بیروت: المنیریه. احیاء التراث العربی آیتی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۶)، *تاریخ پیامبر اسلام*، تجدید نظر ابوالقاسم گرچی، تهران، دانشگاه تهران.
- الهیثمی، ابن حجر، احمد بن محمد، (بی تا)، *الفتاوی الکبری الفقهیه*، المكتبه الاسلامیه.
- الهیثمی، ابن حجر، احمد بن محمد، (۱۳۷۷ش)، *فلسفه سیاست*، تدوین: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ناشر: مؤسسه.
- لویی گارده، (۱۳۵۲ش)، *اسلام دین و امت*، ترجمه رضا مشایخی، تهران.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان بن اسماعیل بن عبدالجواد الحسینی، (۱۲۷۲ش)، *غایه المرام*، تهران، چاپ سنگی.
- بخاری، محمد، (بی تا)، *الصحيح*، استانبول: دارالطباعه العامره.
- بیگدلی، علی، (۱۳۷۴ش)، *تاریخ اندیشه‌ی سیاسی در غرب از طالس تا مارکس*، تهران، لادن.
- بیهقی، ابراهیم بن محمد، (۱۹۶۰م)، *محاسن و المساوی*، تصنیف ابراهیم بن محمد البیهقی، بیروت دارصادر.
- ترمذی، محمد بن عیسی، (بی تا)، *سنن الترمذی*، بیروت، دارالفکر.
- تهانوی، محمد علی بن علی ابن صابر الفاروقی، *کشاف اصطلاحات الفنون*، بیروت: دارصادر.
- جعفریان، رسول، (۱۳۷۵)، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری*؛ قم: انصاریان.

تبیین تاریخی مؤلفه‌های راهبردی همگرایی در سیره علوی (طلعت ده پهلوان) ۶۹

جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۸۴ش)، «چیستی و ماهیت وحدت و همبستگی در اندیشه امام خمینی (ره)»، پژوهشنامه متین، شماره ۲۷.

جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ق)، *الصاحح تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت، دارالعلم، چاپ چهارم. حسینی، اکرم‌السادات، صحرائی اردکانی، کمال و میرجلیلی، علی محمد، (۱۳۹۹)، تأثیر جغرافیای محیطی بر اخلاق و رفتار مردم بصره در عصر امام علی (ع)، پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۱، ش ۱، صص ۱-۲۶. حکیم، آیت‌الله سید محمد باقر، (۱۳۷۷)، *وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت*، ترجمه‌ی عبدالهادی فقهی‌زاده، انتشارات تبیان، چاپ اول.

حلی، حسن یوسف، (۱۴۱۵ق)، *کشف المراد*؛ [بی‌جا]: [بی‌نا].

دینوری، عبدالله بن مسلم ابن قتیبه، (۱۳۸۸ش)، *الامامة و السياسة*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

رنگریز، حسن، (۱۳۹۸)، *طراحی الگوی دولت علوی مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه*، پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۰، ش ۲، صص ۲۳-۴۶.

زبیدی، محب‌الدین مرتضی‌الحسینی الحنفی، (۱۳۸۵ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق عبدالستار احمد فراج، دار الهدایه، کویت.

سبزیان، علی اکبر، (۱۳۸۶ش)، *منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی*، مشهد، خادم الرضا.

سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، (۱۴۰۴ق)، *الدار المنشور فی التفسیر بالمأثور*؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.

شریف مرتضی، (۱۴۰۷ق)، *الشافی فی الامامة*، چاپ عبدالزهرا حسینی خطیب، تهران.

شیخ صدوق، (۱۴۰۵ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، چاپ علی اکبر غفاری، قم.

شیخ طوسی، (۱۴۰۰ق)، *الاقتصاد*، طهران: مکتبه جامع چهلستون.

شیخ مفید، (۱۴۱۴ق)، *الارشاد*، بیروت، الافصاح، بیروت.

شیخ مفید، (۱۴۱۴ق)، *اوائیل المقالات*، چاپ ابراهیم انصاری، بیروت.

صبحی، صالح، (۱۳۷۰ش)، *فرهنگ نهج البلاغه*، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، تهران: اسلامی.

طبرانی، *للحافظ ابی القاسم سلیمان بن احمد*، معجم‌الکبیر، ترجمه حمدی عبدالحمید السلفی، داراحیال‌تراث،

عبدالمقصود، عبدالفتاح، (۱۳۵۰ش)، امام علی بن ابیطالب: *تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام*، ترجمه محمود

طالقانی، محمدمهدی جعفری، تهران.

علامه حلی، (۱۴۱۷ق)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، چاپ حسن حسن‌زاده آملی، قم.

علامه حلی (۱۴۱۵ق)، *مناهج‌الیقین فی اصول‌الدین*، چاپ یعقوب جعفری مراغی، مرکز الدراسات و الاسلامیه.

فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۵)، *کتاب‌العین*، تالیف مهدی‌المحزومی، قم: دارالهجره.

۷۰ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- فیاض، عبدالله، (۱۹۸۶م)، *تاریخ الامامیه و اسلافهم من الشیعه*؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل، (۱۳۵۸ش)، *النقض (بعض مثالب النواصب فی نقض «بعض فضائح الروافض»*)، تصحیح: میرجلال الدین محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۳۰ق)، *القاموس المحیط*، چاپ چهارم.
- قهرمانی، علی و بیدار، فاضل، (۱۳۹۹)، *تحلیل گفتمان انتقادی خطبه‌های علی (ع) در جریان بیعت عمومی*، پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۱، ش ۱، صص ۱-۲۵.
- مصطفوی، حسین، (۱۳۶۸ش)، *التحقیف یکلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی.
- منتظرالقائم، اصغر، (۱۳۹۱ش)، *تمدن سازی نبوی و علوی*، اصفهان، مرغ سلیمان.